

محور تمام خطابات خداوند، قرب الهی است. رسیدن به قرب الهی شرایط و زمینه‌هایی دارد، یکی از زمینه‌های رسیدن به حق تعالی ارتباط با بندگان شایسته خداوند است. انسان باید توجه داشته باشد که بندگان شایسته خداوند چه کسانی هستند و شایستگی از دیدگاه خداوند چیست. بندگان صالح خدا در مسیر قرب الهی هستند، به همین دلیل خداوند ما را به نشتت و پرخاست با آنان سفارش کرده است.

انبیا و اولیای الهی از شاخصان بندگی هستند، انسان در زندگانی دنیا به دنبال کمال است، به همین دلیل باید معنای کمال واقعی را بداند و با افراد کامل و در مسیر کمال ارتباط داشته باشد.

بندگان شایسته و قرب الهی

خداوند شایستگی، شایستگان و راه‌های رسیدن به شایستگی برای رآ انسان بیان کرده است؛ بنابراین باید از ابزار موجود به درستی و برای رسیدن به شایستگی استفاده کرد تا رسیدن به مقام صالحان حاصل شود.

رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در رأس صالحان هستند، قرب به اهل بیت(ع) انسان را به خداوند نزدیک می‌کند؛ فراگیری علم دین، قرآن و معارف اهل بیت(ع) انسان را در مسیر شایستگی قرار می‌دهد. روایتی از امام علی(ع) داریم که؛ «بهترین علم آن است که انسان را اصلاح کند.» اگر علوم به عمل متصل نباشند، خاموش خواهند شد؛ امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب شاخص شایستگان و الگویی مناسب برای جامعه‌اند. باید دید که این بزرگواران با چه دیدگاهی زندگی می‌کنند؛ رهبر معظم انقلاب با وجود مقامات بسیار با اهالی معنا ارتباط دارند و با وجود مشغله‌های گوناگون هیچ‌گاه تعلیم، تعلم و تدریس را کنار نگذاشته‌اند.

لزوم دشمن‌شناسی

زندگی دینی، در پرتو همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. این زندگی انسانی چارچوبی دارد که خدای متعال ترسیم فرموده و از طریق اهل بیت(علیهم‌السلام) به دست بشر رسیده است. این چارچوب می‌گوید که باید به تعلیم عالی دینی توجه داشت و هم‌زمان دشمن‌شناس هم بود؛ دشمنی که نمی‌خواهد مسلمانان در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی، به مقصد عالی بندگی و شکوفایی مادی و معنوی برسند. در یک مقطع، دشمن در مقابل حق مقابله ظاهری می‌کند، اما اگر موفق نشد روش را تغییر می‌دهد و از طریق ایجاد نفاق نفوذ می‌کند؛ همان‌طور که در صدر اسلام بعد از اینکه مشرکان توانستند با مقابله مستقیم به‌نتیجه برسند، از راه ایجاد نفاق در

درون امت اسلامی وارد شدند.

نفاق، همان دیدگاه کفر را با نقشه و سا برنامه اجرایی می‌کند. منافقین در هر زمانی و با توجه به شرایط زمانی و مکانی، با نقشه‌های نفاق‌گونه وارد شده‌اند و در امت اسلامی رخنه ایجاد کرده و بین شیعیان و محبّان اهل بیت شکاف انداخته‌اند.

انتساب مهم نیست

بعد از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، ورود منافقین نمی‌توانست خیلی علنی باشد؛ لذا با توطئه‌های مختلفی در نظام

اسلامی وارد شدند؛ حتی در میان کسانی که اطراف امام(ره) بودند هم نفوذ کردند. البته، امام(ره) به دلیل تیزبینی‌شان هیچ‌گاه آنها را نپذیرفتند. نفوذ در همه ابعاد ممکن است و دشمن در هر کسی متناسب با رفتارش طمع می‌کند.

نفوذ نامحسوس

اگر امام(ره) به صورت موقت سکوت می‌کردند برای این بود که چهره منافقین برای مردم روشن شود، چون گاهی نفاق به‌قدری مخفی و سنگین است که لازم است صبر کرد تا پرده از چهره

ظاهری آنها کنار برود. در جمهوری اسلامی ایران برخی منافقین زود چهره خودشان را نشان دادند و دیدیم که چگونه به زنده‌دان تاریخ افتادند؛ اما دشمنم قوی است و با سوخته‌شدن چهره‌های «نفاق ساده»، چهره‌های جدیدی را اجر می‌کند که از نظر دینی و سیاسی موجه باشند. باید دقت کنیم که نفوذ، دائماً رقیب و نامحسوس تر می‌شود.

هجوم دشمن منحصر به حمله نظامی نیست؛ بلکه در عرصه‌های مختلف علیه ما حمله می‌کند، اگرچه در بعد نظامی جهاد ابتدایی بر ما واجب نیست؛ اما در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید با الگوگیری از رهبر معظم انقلاب طرح‌هایی ارائه دهیم که فراتر از حمله‌های دشمن باشد و همه نقشه‌های آنها را خنثی کند؛ این وظیفه هر کسی است که در هر پست و مقام و جایگاهی، خود را تابع ولی فقیه بداند.

معنویت رهبری

بحث در معنویت و توجه خاص به خدای متعال در همه

آیت‌الله شیخ‌محمدباقر تحریری

امام حاضر نبود بر سر احکام دین معامله کند

امور برای همه مؤمنان لازم است؛ اما برای عالمان دینی و کسانی که به نوعی رهبری دینی مردم را بر عهده دارند، لازم‌تر است. در این میان برای کسی که رهبری دینی، سیاسی و اجتماعی را بر عهده دارد، یعنی ولی فقیه، لازم‌تر است.

جایگاه رهبر، نظارت و توجه به پیاده شدن دستورهای شرع مقدس در ابعاد گوناگون جامعه است؛ یعنی توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی… اینها به یک سینه باز نیاز دارد تا شخص بتواند در مسیر دین قرار بگیرد و رهبریت دینی و الهی داشته باشد. این سعه‌صدر جز با توجه خالصانه به ذات اقدس الهی به دست نمی‌آید. همان‌طور که خدای متعال در سوره انشراح خطاب به پیامبر(ص)، بحث شرح صدر را مطرح می‌کند، که لازمه آن، این است که در روابط اجتماعی، ناملایمات و سنگاندازی‌ها لطمه‌ای به روند کار او نزند؛ «وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ؛ خدا پشت تو را محکم کرده است.»

رهبر الهی باید به پشتوانه حقیقی که خدای متعال است، توجه خاص داشته باشد. البته،

مردم یک پشتوانه ظاهری هستند و رهبر باید صلاح مردم را در نظر داشته باشد، اما اتکای واقعی باید به خدا باشد. خدای متعال در ادامه آیات ذکر شده می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَ اِلٰهِيَ رَبِّكَ فَارْغَبْ» وقتی از کارها فارغ شدی چهره دل را به سوی خدای متعال کن و همراه با خضوع و تضرع اظهار تمایل به خدای متعال داشته باش، تا مشکلات برای تو حل شود.

حضرت امام(ره) این ارتباط معنوی را داشت، که گاهی ارتباطش را با مردم قطع می‌کرد؛ به ویژه در ماه رمضان ملاحظه می‌شد که ایشان ملاقات‌های‌شان کم می‌شد و اعمال خاص عبادی داشتند، اینها به دلیل همین است که آن روابط معنوی همیشه باید باشد تا شخص از جانب خدای متعال تأیید بگیرد. آن شرح صدر از این طریق حاصل می‌شود تا بتواند با یک دید باز نسبت به ابعاد گوناگون جامعه توجه داشته باشد و افراد مختلف جامعه را با افکار و فرهنگ‌های مختلف، گاهی با مذاهب مختلف رهبری کند. همین رابطه معنوی برای رهبر معظم انقلاب هم هست، آن توجهاتی که ایشان همواره در گفتارشان به افراد دربار خدای متعال می‌دهند و همچنین در کارهای ایشان ملاحظه می‌کنیم.

مباحثه هشام

در یک مباحثه‌ای که امام صادق(ع) شاگردانش را به بحث با یک شامی ترغیب می‌کند که منکر امامت امام صادق(ع) بود، چند نفر از شاگردان بحث می‌کنند، حضرت بعد از مباحثه جایگاه شاگردانش را معین می‌سازد. در آخر به هشام‌بن حکم که در بحث از همه جوان‌تر و مقاوم‌تر بود، می‌فرماید تو در بحث پرواز می‌کنی؛ اما نمی‌افتی، مثل تو باید در این مباحث وارد بشووند، سپس حضرت می‌فرماید: ای هشام! توجه داشته باش ارتباطت را با خدا قطع نکنی؛ یعنی مغرور نشو و فریب استعداد قوی و فهم قوی و زبردستی در مباحثه را نخور. اینگونه موارد را در جاهای دیگر هم داریم که می‌گوید تأییدات باید این چنین باشد.

ارزش خودسازی

نکته مهمی که در تحلیل شخصیت امام(ره) و سایر بزرگان باید مورد توجه قرار گیرد این است که امام یک هدف عالی در زندگی داشت و آن هدف خودسازی بوده؛ امام به هیچ وجه دنبال مقام و دنیا نبود. یک تعبد خاص به دین داشت، امام حاضر نبود بر سر دین و احکام دین معامله کند؛ جایی که مصلحتی را تشخیص می‌داد، به آن عمل می‌کرد. ایشان به اصالت خدا، اصالت دین و اصالت تعبد به دین پایبند بود. همگان باید همین روش را دنبال کنیم و این الگویی برای همگان است.

رهبر معظم انقلاب فرمودند تا اسم امام و راه امام هست، انقلاب هست، ما باید همواره دنبال اهداف امام(ره) باشیم. امام(ره) بعد از ائمه معصوم(ع) بر همگان حجت بود. امام به همه فهماند که دین حقانیت دارد و حقانیت دین را می‌توانیم اثبات کنیم و در صحنه اجتماعی می‌توانیم آن را پیاده کنیم.

طریق سعادت در سایه رهبری الهی

رسیدن به کمال حقیقی در این دنیا میسر نخواهد بود و زندگی و عوالم دنیوی فرصتی برای زمینه‌سازی ر دستیابی به کمال حقیقی و الهی است. انسان باید زندگی خود را با خدای متعال مرتبط کند و زندگی و ولایت امیر مؤمنان(ع) این حقیقت زندگی را برای ما ترسیم می‌کند.

امام زمان(عج) جامعه و قافله انسانی را به هدف والا و اصلی خود می‌رساند، کمال واقعی انسان در گرو اعتقاد واقعی به رهبری الهی در جامعه انسانی است. ولایت و رهبری و زمام‌داری الهی در جامعه انسانی بسیار مهم است. جامعه‌وقتی زمینه سعادت را پیدا می‌کند که در زیر چتر رهبری الهی قرار گیرد.

گزارشی از اولین گردهمایی رزمندگان مدافع حرم سپاه محمد رسول‌الله(ص)

یگان فاتحین نسل جدید رزمندگان اسلام

■ ■ ■ حسن ابراهیمی ■ ■ ■

اصلی این مراسم هستند. آیت‌الله علم‌الهدی از دو موضوع انظلام و انتظار سخن می‌گوید. انظلام یا ظلم‌پذیری درست مقابل انتظار حقیقی است. رمز انتظار مبارزه با ظلم است و بدون مبارزه راهی جز پذیرش انظلام وجود ندارد. وی معتقد است که مدافعان حرمی که رویه‌روی او نشده‌اند، راهبرد انتظار حقیقی را در برابر انظلام اتخاذ کرده‌اند و اینها مقدمه‌سازان ظهورند. وی به دنیای دیپلماسی هم گریزی می‌زند و با توجه به ادله قرآنی و روایی می‌گوید: «مهم این است که جریان سیاست در جامعه ما در خط رزمندگی شما رقم بخورد.»

آیت‌الله علم‌الهدی به دفاع مقدس هم اشاره دارد و می‌گوید: «در سیمای نورانی شما که دفاع مقدس را درک نکرده‌اید، همان نورانیت و اشعه عظیم سرخ‌قام شهادت را مشاهده می‌کنم.» و به راستی که از اینها حتی فرمانده‌شأن سیدمحمود هاشمی هم دفاع مقدس را درک نکرده است. یا نبودند، یا در سنسین طفولیت می‌زیستند.

در مسیر می‌دیدم شبیه چهره‌های بچه‌های خادم‌الشهدا بود، انگار رفته باشم محمودوند اهواز مقر خادمین راهبان نور. البته چهره‌ها، فقط تهرانی بود و این تنها تفاوت با آنجا بود.

جمعی بزرگ و مصمیمی

در تالار جمعیت زیادی نشستند، جالب اینکه اکثراً همدیگر را می‌شناختند، از دور و نزدیک وقتی یکدیگر را می‌بینند سلام و احوال‌پرسی می‌کنند. این تعجب‌آور است چون سربازها هم که سه ماه با هم آموزشی هستند این قدر با هم آشنا نیستند. احتمالاً اینها چند ماهی با هم زندگی کرده‌اند. شاید هم… اما نه مدافعان حرم این‌گونه‌اند که خود را نمی‌بینند و در اثر این

خود ندیدن توجه آنها بیشتر به دیگران است و بزرگی خود را در بزرگداشت دیگران می‌بینند. البته، این مهم‌ترین اصل برای دفاع از حرم است؛ عدم خودبینی و از خود گذشتن.

خط انتظار مقابل خط انظلام

حجت‌الاسلام ابوترابی و آیت‌الله علم‌الهدی دو سخنران



یادداشت

گونه‌شناسی ادبیات دفاع مقدس

علیرضا جلالیان

در هر فرهنگی ادبیات ریشه تلقی می‌شود؛ مکتوب کردن فرهنگ مدیون وجود ادبیات است. از سویی ماندگاری یک فرهنگ می‌تواند بر اثر تولید کمتی و کیفی ادبیات آن فرهنگ باشد. ادبیات می‌تواند مبنایی برای هنر شود، در واقع، ادبیات زیرساخت هنر است.

با توجه به گستردگی ادبیات، انواع ادبیات را در قالب گونه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. با این توصیف، باید گذری هم به موضوع ادبیات در سه دهه گذشته داشته باشیم. پس از انقلاب اسلامی، فرهنگی جدید (بهتر است بگوییم فرهنگی اصیل) در کشور پدیدار شد. از دیدگاه برخی فرهنگ انقلاب اسلامی در تلاوم ادبیات پایداری می‌گنجید؛ اما با شروع دفاع مقدس و پایان جنگ هشت ساله، آرام آرم تولیدات این حوزه فروزی یافت. این تولیدات چیزی فراتر از آنچه ادبیات پایداری می‌نامند، بود؛ آثار مکتوبی درباره تحلیل نظامی و سیاسی دفاع مقدس تا کتاب‌های خاطرات دربار بررسی نقش‌ها در این عرصه و کتاب‌های تصویری. ادبیات دفاع مقدس، ادبیات اخلاقی و دینی، ادبیات نظامی و دفاعی، ادبیات جغرافیایی، ادبیات طنز، ادبیات داستانی و… دارد.

اما در این بساره تأثیرگذارترین‌ها مربوط به خاطرات رزمندگان، امدادگران، آزادگان، جانبازان و شهداست. فرهنگ دفاع مقدس در حوزه فرهنگ عمومی دقیقاً همان چیزی است که از دل این خاطره‌ها، زندگی‌نامه‌ها و رمان‌های واقعی بیرون می‌آید. پرفروش‌ترین کتاب‌های سال کشور طی یک دهه اخیر همین کتاب‌ها هستند؛ کتاب‌هایی چون: دا، خاک‌های نرم کوشک، دختر شینا، نورالدین پسر ایران، پایی که جا ماند، سلام بر ابراهیم و… به خاطر دارم در تشییع پیکر پاک شهید عبدالحسین برونی دختری عربستانی، محصل حوزه علمیه قم در مراسم اشک می‌ریخت و اظهار می‌کرد که پدرش فوت شده است، اما او نسبت به شهید برونی حسی پدرانه داشت. در واقع، مطالعه کتاب «خاک‌های نرم کوشک» چنین احساسی در او ایجاد کرده بود. همچنین نمونه‌های زیادی مانند کتاب سلام بر ابراهیم که تأثیر آن بر جوانان بسیار بالاست. به تازگی هم مشاهده شده کتاب‌های پر مخاطب گونه دفاع مقدس به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو، ترکی و… ترجمه شده است و با وجود تبلیغات ضعیف استقبال خوبی از آنها شده که به عبده بسیاری این بهترین وسیله برای صدور فرهنگ انقلاب اسلامی است. با تمام این تفاسیر به نظر می‌آید با توجه به حجم بالای تولیدات در این حوزه هنوز بسیاری از ابعاد دفاع مقدس ناگفته مانده، یا در سینه شهدا دفن شده، یا هنوز کسی به دنبال ثبت آن نرفته است. به هر ترتیب راه بسیار است؛ اما باید توجه داشت حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باید به روز شود، برای توسعه ادبیات انقلاب اسلامی باید جبهه مقاومت را دریافت و تمام ملیت‌های درگیر در جبهه حق را از تولید آثار ادبی مدنظر قرار داد.

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۵ / ۲۳ شعبان ۱۴۳۷ / شماره۷۵۱

نقطه‌نظر

به استقبال میهمانی خدا

آیت‌الله حسین مظاهری

در روایتی از پیامبر اکرم(ص) وارد شده است که خداوند متعال گاهی فرصت‌هایی را –و به تعبیر روایت نسیم‌هایی را –در زندگی انسان قرار می‌دهد که انسان باید خود را در معرض این نسیم‌ها قرار دهد، والا خسارتی می‌بیند که به آسانی جبران پذیر نیست.

یکی از این فرصت‌های مبارک، ماه مبارک رمضان است. این فرصت به اندازه‌ای مقدس و بابرکت است که پیامبر اکرم(ص) درباره آن فرمودند: «هر دم ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به شما رو کرده است، ماهی است که پیش خدا بهترین ماه است و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعات است.» در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم: « شقیی است کسی که ماه مبارک رمضان را درک کند و مشمول رحمت قرار نگیرد.» در این ماه بندگان میهمان خداوند متعال هستند. معنائش این است که بندگان می‌توانند در این ماه مبارک رشد معنوی پیدا کنند و روزه، دعا، راز و نیاز با خداوند و سایر عبادات در این ماه، سبب رشد معنوی شده و روزبه‌روز آنان را به سازندگی روح، ریشه‌کن کردن صفات رذیله و غرس درخت فضایل به جای آن، نزدیک سازد. غنیمت شمردن این فرصت مبارک، انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند. بندگان می‌توانند با استفاده از این ماه مبارک، بر نفس آماره مسلط شوند و به جای اینکه خادم نفس آماره باشند، آن را تابع خود کنند.

برای رسیدن به این مقامات، صرف اجتناب از مصلطات فقهی، کافی نیست. آنچه در رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید آمده، شرایط صحت روزه است و روزه صحیح با روزه مقبول فاصله زیادی دارد. روزه صحیح آن است که قضا و کفاره را ساقط می‌کند، اما روزه مقبول، علاوه بر شرایط صحت روزه، به امور دیگری نیز نیازمند است، از جمله اینکه تمامی اعضا و جوارح انسان باید روزه باشند. بهشت برای چنین روزه‌داری کم است؛ پاداش این روزه ذات خداوند متعال است و چه سعادت‌ی بالاتر از اینکه چنین پاداشی نتیجه عمل انسان باشد و در تمام عالم وجود، تنها قلب انسان مؤمن است که ظرفیت چنین پاداشی را دارد. در حدیثی قدسی چنین آمده است: «زمین و آسمان وسعت مرا ندارند. تنها قلب بنده مؤمن است که می‌تواند مرا در خود جای دهد. انسان نباید در این میهمانی به کمتر از این راضی شود، وگرنه باخته است.»

اگر کسی توجه کند که قدر و ارزش او چه اندازه است و به کجاها می‌تواند برسد، از فرصت‌هایی نظیر ماه مبارک رمضان، نهایت استفاده را خواهد برد. دیگر به روزهای که در رساله‌ها شرایطش را نوشته‌اند، اکتفا نخواهد کرد؛ بلکه تمام وجود او روزه‌دار خواهد بود و چنین روزهای است که انسان را به کمال حقیقی نزدیک می‌سازد. مهم آن است که در این ماه مبارک و به‌تدریج در ماه‌های دیگر، عالم را محضر خدا ببیند و در محضر خدا ادب حضور را رعایت کند. در این صورت است که در همین دنیا، مصداق آیه شریفه: «وَجُوهٌ مَّوَدِّعَةٌ نَاصِرَةٌ اِلٰی رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» خواهد شد.

حجت‌الاسلام ابوترابی هم در سخنرانی خود بسیجیان را یکی از ارکان قدرت دفاعی کشور دانست و گفت: «یگان فاتحین ثمره ایمان و عمل صالح است و امیدواریم یگان فاتحین همیشه به عنوان بازوان قدرتمند ایران اسلامی بدرخشد و احترام و عزت به ارمغان بیاورد.» او اشاره‌ای هم به اوضاع سوریه داشت و ابراز امیدواری کرد نیروهای رزمند‌های که در جبهه مقاومت حضور دارند در دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی موفقیت‌های چشمگیری به دست آورند.

آنها که می‌خواهند بروند

جالب اینکه فرمانده یگان فاتحین را خوب می‌شناختم. البته نمی‌دانستم این یکی دو سالی که نمی‌دیدمش به دنبال راه‌اندازی این یگان است، تا اینکه امروز فهمیدم کار او چیست. از یکی دو سال پیش خیلی از بچه‌ها از من می‌پرسیدند که اگر بخواهیم برای جنگ به سوریه برویم چه کار باید کنیم؟ الان می‌دانم که باید بگویم بروید از طریق گردان‌های نواحی برای یگان فاتحین نام‌نویسی کنید.

سخنران کوتاه ناصر ابوشریف مسئول دفتر جهاد اسلامی فلسطین در تهران و تقدیر از سیامک خرمی رمی‌کار عضو یگان فاتحین که در مسابقات بین‌المللی ورد کاپ اوکراین افتخار آفرید

از دیگر بخش‌های این گردهمایی بود.

قبیله آفتاب



با چادرش دفنش کردیم

به من نگفتند شهناز شهید شده؛ اما همان شب خواب دیدم او آمد، از جایی می‌خواستیم رد شویم؛ انگار تیغ بود، شهناز گفت: مادر دستت را بده. دستم را گرفت و از آنجا بلندم کرد و به طرف دیگر گذاشت. کمی که رفتیم گفت: خدا کند حسین زود بیاید… فردا عصر ساعت دو بعد از ظهر او را تشییع کردیم. قبرهایی که کنده بودند پر از آب بود. خودم داخل قبر رفتم و در قبر خاک ریختم و مشما گذاشتم. وقتی خواستم او را در قبر بگذارم چون پیکرش تکه‌تکه در مشما جمع شده بود با چادرش دفنش کردیم. همان طور که گفته بود، حسین هم به زودی به خواهرش پیوست و شهید شد.

شهناز محمدی‌زاده سال ۱۳۳۹ در ذرفول به دنیا آمد. خانواده‌اش در پنجمین سال تولدش از ذرفول به خرمشهر آمدند و در منزلی استیجاری اقامت کردند. او شش ساله بود که به مدرسه «طیبه» قدم گذاشت. دیپلمش را پیش از سال ۵۸ گرفت، یک سال در مکتب قرآن مشغول بود که به جهاد پیوست، آنجا کارهای حسابداری را انجام می‌داد. عصرها هم برای تدریس همراه چند دختر دیگر به شلمچه می‌رفت و شبها هم برای روستایی‌ها خیاطی می‌کرد. به کارهای عام‌المنفعه و خیرخواهانه علاقه زیادی داشت. به اموال عمومی و حق‌الناس بسیار حساس بود. خانه‌هایی بودند که با اموال‌شان مصادره شده بود. به کسانی که در آن خانه‌ها رفت و آمد داشتند دائم تذکر می‌داد: «دست به وسایل اینها نزنید.» عاشق امام خمینی ره بود. خیلی دوست داشت به تهران بیاید و امام را ببیند. اوایل سال ۵۹ یک بار قسمت شد به دیدار امام خمینی بیاید. به نماز جماعت علاقه زیادی داشت. نماز ظهر را در مسجد حضرت زهرا(س) و نماز مغرب را در مسجد امام زمان(عج) می‌خواند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، پخش اعلامیه‌ها و تکذیب نوا‌های امام خمینی(ره) از فعالیت‌های انقلابی شهناز بود. با حمله عراق به خرمشهر، شهناز چون دوره کمک‌های اولیه را دیده بود، به مجروحان رسیدگی می‌کرد و جان خیلی‌ها را نجات داده بود. سرانجام ساعت دو بعد از ظهر هشتم مهر ۱۳۵۹ در یکی از بمباران‌های خرمشهر او و دوستش شهناز حاجی‌شاه با هم شهید می‌شوند.

گلی از باغ

روایتی از «فرار ساعت‌ها»

«فرار ساعت‌ها» نام کتابی است که در زمره کتاب‌های زندگی‌نامه شهدا قرار می‌گیرد. این کتاب به زندگی شهید هاشم شیخی متولد شیراز پرداخته است. شیخی از ۱۸ سالگی وارد جبهه نبرد می‌شود و پس از مدتی به دلیل رشادت‌هایی که از خود نشان می‌دهد به واحد اطلاعات- عملیات ورود می‌یابد و در آنجا ماجراهایی برایش پیش می‌آید و… این اثر به صورت مجموعه خاطرات گردآوری شده است. کتاب فرار ساعت‌ها شهید شیخی را از زبان خواهر، برادر، همسر و دوستان او نقل می‌کند. شهید هاشم شیخی در عملیات‌های زیادی از جمله کربلای ۴ و ۵ حضور می‌یابد و در همان جا است که بسیاری از دوستانش شهید می‌شوند.

او دوری از دوستان را تاب نمی‌آورد و در سال ۱۳۶۶ نیز به درجه رفیع شهادت می‌رسد و به دوستان خود می‌پیوندد.

در بخشی از این کتاب به روایت از همسر شهید می‌خوانیم: «با هم رفتیم. حوالی اسفند ماه بود. همان روز هم نزدیک‌های مقر صاحب‌الزمان شیراز را بمباران کرده بودند و یک زن با سه بچه‌اش شهید شده بود. زمانی که رسیدیم به قبرستان شیراز، مردم داشتند همان جنازه‌ها را دفن می‌کردند. من از جنازه می‌ترسیدم. هاشم اما رفت و فاتح‌های خواند، وقتی برگشت، خیلی تو هم بود. بی مقدمه گفت: «هره کی میشه منم شهید بشم؟» ازش ناراحت شدم، گفتم: «حالا منو آوردی که این حرف‌ها رو بزنی؟ راه بیفت بریم!» توی مسیر برگشت هم ناراحت بود. مرتب اشک‌هایش را پاک می‌کرد و از جلیل‌ملک‌پور می‌گفت. دوباره بحث را عوض می‌کرد و از آن زن و بچه‌هایی که تو بمباران شهید شده بودند، حرف می‌زد. بد جوری به هم ریخته بود.»

کتاب فرار ساعت‌ها با همکاری کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای استان فارس در ۲۰۷ صفحه، به قطع رقی و با مبلغ ۱۴۵۰۰ تومان توسط انتشارات انجمن پیشکسوتان سپاس به چاپ رسیده است.